

بررسی چگونگی شکل‌گیری نقش فرشتگان (انسان بالدار) در منابع تصویری قبل از اسلام

زهرة جعفری^۱، حبیب‌الله آیت‌اللهی^۲، مرتضی حیدری^{۳*}

۱- کارشناس‌ارشد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

۲- دانشیار گروه هنرهای تجسمی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد

۳- مربی گروه نقاشی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

این مقاله به بررسی سابقه بال و فرشته در آثار هنری قبل از اسلام می‌پردازد. بررسی نمونه‌های تصویری متعدد به‌جا مانده از حیوانات بالدار و به‌طور اخص انسان بالدار؛ نشان می‌دهد که تجسم فرشته فقط به‌صورت انسان بالدار نمی‌باشد و فقط یک نماد ایرانی نیست. در هر صورت، بال در قبل از اسلام در اکثر موارد، نماد قدرت و علامت ایزدی است. به احتمال قوی، منشأ فرشته و بال بر اساس شواهد و دلایل، باید از بین النهرین باشد. شکل بال‌ها در ابتدای بکارگیری آن‌ها - یعنی هزاره‌ی سوم ق.م. (بر اساس قدیمی‌ترین نمونه‌ی انسان بالدار، که به دوره‌ی اکد باز می‌گردد) - شکلی ساده است؛ اما بال سه قسمتی هخامنشی شکلی خاص و پیکر سه قسمتی است که آن را از سایر دوران‌ها جدا می‌کند.

کلید واژگان: فرشته، قبل از اسلام، بال، منابع تصویری.

۱ - مقدمه

دو تا باز می‌باشند و مانند کرونوس^۱ نماد ترصد و پرواز در سکون، و سکون در پرواز است [۳، ص ۴۲۴۷].

در منابع اسلامی چندان به نماد بال پرداخته نشده است؛ فقط در رساله‌ی آواز پر جبرئیل از نظر نمادین بدان اشاره شده است.

سؤال مهمی که در این زمینه مطرح می‌باشد این است که آیا ظهور بال در حیوانات بالدار (مثلاً رب‌النوع‌ها)، به تقلید از بال پرندگان بوده است یا خیر؟ و هم چنین این سؤال که فرشته در قبل از اسلام، وجود خارجی داشته است یا خیر؟

بنا به اعتقاد توت‌پرستان، روح بزرگ، بعد از مرگ تبدیل به یک حیوان یا پرنده می‌شود؛ بنابراین احتمال دارد که تفکر حیوانات بالدار، زاینده‌ی این تفکر باشد.

بر اساس سابقه‌ی ترسیم نقش پرندگان بر قدیم‌ترین سفالینه‌ها؛ از جمله ظروف سفالی چشمه علی‌ری و اسماعیل‌آباد قزوین و... در ایران - که به ۵ - ۶ هزار سال ق م می‌رسد - و نیز نقش پرندگانی چون عقاب و شاهین (نمود اهورامزدا) و حیوانات اسطوره‌ای - که بر روی آثار زیادی چون مهرهای استوانه‌ای اواخر

«بال بر روی بدن انسان یا حیوان، علامت ایزدی و نماد قدرت محافظت است [۱، ص ۳۰]. بال‌ها شمسی هستند و الوهیت، طبیعت روحانی، تحرک، حفاظت و همه‌ی نیروهای فراگیرنده‌ی خدا، نیروی استعلا‌ی جهان مادی، خستگی‌ناپذیری؛ حاضر مطلق، هوا، باد، حرکت خودبه‌خود، پرواز زمان، پرواز اندیشه، اراده، فکر، آزادی، پیروزی و چابکی را نشان می‌دهند. بال‌ها نشانه‌ی پیک ایزدان تیزپا و نیروی ارتباط بین ایزدان و انسانها هستند. بال‌های گسترده به معنای حفاظت الهی یا محافظ آسمانها از گرمای خورشید است [۲، ص ۵۱]. تعداد بال‌ها نیز معانی متفاوتی دارد.

به نوشته‌ی چی سی کوپر؛ کلاه، صندل و عصای بالدار نشان پیک ایزدان است [۲، ص ۵۲].

اما تعداد بال‌ها طبق روایات اسلامی؛ نشان و نماد سرعت فرشته و قدرت اوست. در تفکر بودایی دو بال نشان خرد و نظم است و چهار بال در تفکر سومری - سامی مظهر چهارباد و فصول هستند. نیل سامی شش یا چهار بال دارد، که دو تا از آن‌ها بسته و



فعلی فرشته نیست.

ایزیس مادر هوروس خدای آسمان، بر دیوار معابد به صورت انسانی با بالهای گشاده ترسیم می‌شد (تصویر ۱). اما این انسان بالدار، بر اساس آیین ارفه‌ای مطابق با مفهوم فرشته نیست.



تصویر ۱ تصویر هوروس خدای آسمان، نقاشی روی دیوار، مصر

جی. سی. کوپر می‌نویسد: «گاه نیت^۱ بالدار است، اما بال در شمایل‌نگاری مصری بسیار کم تصویر شده است» [۲، ص ۵۲]. پس انسان‌های بالدار مصری واسطه زمین و آسمان نیستند.

۴- زئوس خدای یونانی نیز، بالدار ترسیم می‌شود؛ اما چنانکه گبریشمن نیز عقیده دارد «در یونان هیچ حیوان افسانه‌ای (بالدار) پیش از ۷۰۰ ق.م. دیده نشده است» [۶، ص ۱۰۸]. بنابراین منشا بال و فرشته، نمی‌تواند از یونان و جزیره‌ی کرت باشد.

۵- قدیمی‌ترین نمونه پیکره‌های بالدار و حیوانات اسطوره‌ای بالدار، به ایران و بین‌النهرین اختصاص دارد. مودهینز در کتاب خود، درندگان افسانه‌ای را طبقه‌بندی نموده و فرشتگان را در گروه حیوان - انسان طبقه‌بندی کرده است. این طبقه شامل شیاطین، فرشتگان، ساتیرها، مینوتورها و همچنین بسیاری از نیمه‌انسان - نیمه‌حیوان‌های خاور نزدیک که مشخصات مشابهی دارند؛ می‌شود [۷، ص ۵۰].

به همین دلایل می‌توان استناد کرد که ظهور بال در نقش‌های کهن از خاور نزدیک نشأت گرفته است و چون خاور نزدیک پل ارتباطی مهمی بین مشرق و مغرب زمین بوده؛ تفکر موجودات بالدار از مغرب به مصر و یونان و جاهای دیگر منتقل می‌شود و از شرق به هند و چین و دیگر کشورهای آسیا می‌رود. با توجه به اینکه این شکل، در دوران کهن مصر یعنی نخستین سلسله‌ی فراغته‌ی سامی عیلامی زیاد دیده می‌شود؛ بنابراین می‌توان ادعا نمود که در این دوران، نفوذ فرهنگ خاور نزدیک بسیار سازنده بوده است [۸].

هزاره چهارم ق.م. زیاد دیده می‌شود - منبع بال، می‌تواند بال پرنندگان باشد.

۲- منشاء فرشته و بال

اعتقاد به موجودات واسطه بین انسان و خدا، در بین تمام مردمان جهان و حتی توتم‌پرستان، سرخپوستان آمریکا و آفریقا دیده می‌شود.

اگرچه جمیزهال عقیده دارد که «خدایان بالدار و جن‌های مصری، احتمالاً نخستین نمونه‌های نقوش بالدار انسانی و حیوانی بودند، که بر اثر فتوحات نظامی و نیز تجارت انتقال یافتند و آن‌ها خود، باعث الهام ایجاد خدایان بالدار یونانی، رم و فرشتگان عبراتی و مسیحی شدند» [۱، ص ۲۶۰]؛ اما فرشته با مفهوم امروزی، طبق شواهد و قراین زیر به احتمال قوی باید از بین‌النهرین باشد:

۱- اکثر مذاهب شناخته شده، از خاور نزدیک و بین‌النهرین برخاسته‌اند؛ زرتشت از ایران، بودا از بامیان، پیامبران نژاد آرامی و عرب از بین‌النهرین و مانی از بابل، هم‌چنین اعتقاد به موجوداتی که می‌توانند از آسمان به زمین بیایند در این ادیان دیده می‌شود، به این معنا که فرشتگان بالدار یا بدون بال به صورت جوان بر پیامبران و انسانها آشکار می‌شدند و واسطه فیض می‌شده‌اند. «توصیفات پیامبران عهد عتیق در تورات، مانند موجودات بالدار حزقیال نبی که به صورت کروی‌بیا مسیحی و فرشتگان سرافین درآمدند، می‌بایستی بر اساس یادمانهای واقعی و احتمالاً بابلی باشد» [۱، ص ۲۶۰]. در کتب قانون ثانی مسیحیت در طویبا، حکمت دانیال و... فرشتگان به صورت جوان ظاهر شده‌اند [۴، ص ۵۰].

۲- نوشته‌ی برخی مورخان نشان می‌دهد فرشتگان در خواب نیز بر شاهان ظاهر می‌شدند. «شاهان هخامنشی، مانند همه‌ی شاهان بین‌النهرین پیش از آنها؛ منبع علوم غیبی بودند، زیرا از راه خواب و یا واسطه‌های دیگر با خدا ارتباط داشتند»؛ مثل رویای معروف گوداشاه لاگاش (خدایش نینگریو) برای ساخت معبد و رویای خشایارشا برای حمله به یونان، که در این رویا، بر او مردی بلندبالا و زیبا، با بال‌های افراشته ظاهر می‌شود و به نوشته ساموئل ک. ادی «شبحی که در رؤیا توصیف شده کاملاً با اهورامزدا که به صورت انسانی بالدار تصویری شده قابل تطبیق است» [۵، صص ۷۵ و ۷۶].

۳- اگرچه بال، در آثار هنری مصر بر دیوارهای معابد و صندوق‌های تابوت و... به صورت پرنده بالدار با سر انسانی بر بال‌های جسد و یا به صورت انسان بالدار دیده می‌شود؛ که تحت تأثیر تفکر مصری دوره باستان شکل گرفته است؛ اما این انسان بالدار بر اساس اساطیر مصر، قابل تطبیق با مفهوم



تصویر ۳ اهریمن پازوزو (Pazuzu): دیوبالدار آشوری با چهار بال، آورنده‌ی بیماری خطرناک و نشان‌دهنده‌ی بادهای توفنده‌ی جنوب شرقی، موزه‌ی لوور پاریس

یکی از تصاویر معروف کیش مهر مجسمه بازسازی شده‌ی خدایی به صورت مرد بالدار با سر شیر است که ظاهراً ماری دور او پیچیده شده که ملازم اوست. [۱۱، صص ۱۲۸ - ۱۳۰] (تصویر ۴) این مجسمه‌ها در بسیاری معابد مهری دیده می‌شود البته بعضی آن را نماد اهریمن یا زروان می‌دانند. بال‌های او طبیعت‌گرا و شبیه بال پرندگان است.



تصویر ۴ تصویر معروف کیش مهر که بعضی آن را زروان خدای بزرگ و بعضی آن را اهریمن دانسته اند، مجسمه بازسازی شده

ظاهراً قدیمی‌ترین آثار یافته شده با طرح بالدار، مربوط به جمدهت نصر، اوروک، حسونا، تپه عبید، اور و اراچییه در هزاره‌ی سوم و چهارم ق.م. در بین‌النهرین و آثار شهر سوخته

۳ - سیر تحول عنصر بال در انسان بالدار پیش از اسلام

جی. سی. کوپر در کتاب خود از پنجاه درنده‌ی افسانه‌ای که هجده درنده‌ی آن بال دارند؛ نام برده است که عبارتند از: ابوالهیل (اسفنگس)، اپینیکوس، اژدها، باسیلیسک، بنهو، پگاسوس، تنگو، رخ، زو، زیز، سیمرغ، شیردال (گریفین)، ققنوس (فینیکس)، گارودا، لئوگریف، وی ورن، هارپی، زیز، هیپوگریف [۲، صص ۱۵۰ - ۱۵۴]. به نظر مودهینز «نیمه‌حیوان - نیمه‌انسان‌های گوناگون بین‌النهرینی که از فرم‌های هخامنشی ناشی شده‌اند؛ اجداد قدیمتر اسفنگس‌ها بوده‌اند» [۷، صص ۱۱۶]. در هنر شرق، پرنده - گریفین و شیر گریفین از حیوانات ترکیبی بالدار هستند که مورد اخیر در هنر مصری دیده نمی‌شود اما آشکارا بر روی مهرهای اکدی ملاحظه می‌گردد.

در نقش مهرهای اکدی (۲۳۰۰ - ۲۱۳۰) با تصویر شمس در حد فاصل کوه‌های شرقی و غربی همراه با پیکره بالدار ایشتر ایزدبانوی حاصل‌خیزی و شیر نماد ایشتر با حضور ثه آخدای آب‌ها؛ پیکره‌ی ایشتر دارای دو بال سه قسمتی است. (موزه برتانیای لندن) (تصویر ۲) در تصویر مشابه دیگر مربوط به موسسه‌ی شرقی شیکاگوایلی نویز، بال‌های او افقی و تک‌قسمتی و ساده‌اند [۹، صص ۵۶]. در میان ایزدان سومری، ابوبا موجودی اسطوره‌ای و بالدار ایزد طوفان و غرش ابر و یاور مردوخ در جنگ با تیامت است [۱۰، صص ۱۰۱].



تصویر ۲ شمش خدای خورشید از بین دو کوه بالا آمده است، مهر اکدی، حدود ۲۳۰۰ - ۲۱۳۰، فیگور بالدار ایشتر

در موزه‌ی لوور، تعویذ مفرغی به نام پازوکی وجود دارد که اهریمنی را با پنجه‌ی عقاب، بدن انسان و دارای چهار بال و سر هیولا نشان می‌دهد. [۷، صص ۲۷۵] (تصویر ۳)

هزاره‌ی اول ق.م، پلاک مفرغی و سینه‌بند طلایی گنجینه زیویه با تصاویر ابوالهله، بز بالدار معروف گنجینه جیهون در موزه‌ی لوور پاریس؛ [۱۳] لوح نقره‌ای گنجینه زیویه (ق ۷) موزه‌ی متروپولیتین با طرح دو حیوان دوقلو با سر شیر مشترک با بال تزیینی [۱۴، ص ۳۱۶ تصویر ۳۸۳]، تنگ سفالی بدل زیویه با نقش گاو دال تک‌شاخ با بال رنگارنگ [۱۵]، ترکش یا تیردان مفرغی قرن ۸ - ۷ ق.م. لرستان در موزه‌ی متروپولیتین [۱۶، ص ۷۰] با تصویر انسانهایی که برگ نخل در دست دارند با چیزی شبیه پر بزرگ شبیه بال است. در جام معروف زرین حسنلو، مربوط به هزاره‌ی اول ق.م. پیکره‌ی بالدار در بخش بالایی ظرف دیده می‌شود. بال پیکره، ساده و تک‌قسمتی است که مربوط به تمدن مانا می‌باشد. زهرا نیلدر مقاله خود به تصویر یک پلاک مفرغی با نقش الهه‌ی بالدار که با دو دست خود دو پلنگ را آویزان کرده و با پاهای شبیه پنجه عقاب بر پشت دو پلنگ قرار گرفته؛ اشاره کرده است [۱۷، ص ۲۶۰، تصویر ۳]. پیکره، عربان است و ۴ بال او از چهار ردیف پریز در بالا و شاه‌پره‌های کشیده و بلند تشکیل شده است. (تصویر ۵)



تصویر ۵ الهه‌ی بالدار که با دو دست، شیر یا پلنگ را آویزان نگاه داشته است. سر سنجاق مفرغی کنده‌کاری شده سرخدم لرستان، قرن ۸ ق.م. C.M ۱۴

نقش برجسته کاهنی با دو بال ساده نیز بر ظرف مفرغی مربوط به لرستان دیده می‌شود. بر سنجاق سر مفرغی کنده‌کاری شده از سرخدم لرستان مربوط به قرن ۸ ق.م. (به قطر ۱۴ سانتیمتر) تصویر مردی با چهار بال دیده می‌شود که در دو دست خود دو ببر یا شیر را آویزان نگاه داشته است. بالهای این مرد مسنِ مجلس، فقط از چند ردیف پر تشکیل شده است [۱۸، ص ۳۵، تصویر ۱۶]، (تصویر ۵). در گنجینه‌ی جیهون از دوره‌ی سکاییان (هنر ماد) تصویر انسانی مجلس با چهار بال کاملاً ساده دیده می‌شود. (تصویر ۶) در روی آیینی مربوط

(۱۸۰۰ - ۳۲۰۰) مانند لوح مفرغی صدمه دیده می‌باشند. در میان آثار تمدن، عیلام، شوش، هفت‌تپه، چغازنبیل، ملیان، انشان (انزان) مرودشت؛ نقوش افسانه‌ای بالدار به صورت «نیمه‌گوزن - نیمه‌ماهی یا نیمه‌انسان - نیمه‌ماهی»، متعلق به موجودات نیمه‌خدایی را می‌توان در نقوش برجسته و مهرها مشاهده کرد [۱۲، ص ۵۰]، این امر قطعاً به مذهب این دوره بر می‌گردد. «مذاهبی چون عیلام ۳۲۰۰ ق.م. که ارباب انواع را می‌پرستیدند و معمولاً رب‌النوع‌های خود را به شکل حیواناتی که در زندگی آنها تأثیر فراوان داشتند تصور می‌کردند (به دلیل اینکه آسمان را مقدر ایزدان و خدایان می‌دانستند) آن حیوانات را بالدار تصویر می‌کردند». به نظر مودهینز «نقوش اساطیری از حدود ۳۲۰۰ ق.م. بر روی مهرهای استوانه‌ای ایلام ظاهر گردید. در هزاره‌ی چهارم ق.م. بعضی از خدایان را در هیات جانوران، پرستش می‌کردند و خدایان به شکل دیوان درآمدند، در آغاز هزاره‌ی سوم ق.م. خدایان و موجودات الهی به صورت ترکیب حیوان - حیوان تغییر شکل دادند و سپس به شکل انسان - حیوان درآمدند» [۷، ص ۱۱۰]. در موزه ایران باستان، سنگ‌نبشته مرزی (کودورو)، مکشوف از سرپل ذهاب، مربوط به زمان مردوک آپال آیدین (آخرین پادشاه کاسی‌ها هزاره‌ی دوم قبل از میلاد) با طرح سر شیر، دم عقرب، پنجه‌ی عقاب و شاخ‌دار و با بال سه قسمتی وجود دارد. آثار بسیار زیاد با طرح حیوانات اسطوره‌ای بالدار (اسفنگس یا ابوالهله، گریفین یا شیردال و...) با دو یا چهار بال و تصاویر انسان‌های دوبال یا چهار باله با سر انسانی یا سر عقاب مربوط به هزاره‌ی اول قبل از میلاد از حسنلو، مارلیک، گنجینه‌ی زیویه، مهرهای استوانه‌ای، به دست آمده‌اند. مفرغ‌های لرستان نیز با حیوانات اسطوره‌ای بالدار حایز اهمیت می‌باشند که تعدادی از نمونه‌های آن در موزه‌ی ملی «ایران باستان» ایران عبارتند از:

پلاک مفرغی از زیویه، قسمتی از یک ظرف از حسنلو با سنگ لاجورد با طرح انسان بالدار با سر عقاب و دو بال سه قسمتی، مربوط به دوره ۱۰۰۰ ق.م. در موزه اران و باستان؛ قطعه‌ی عاج نیم‌سوخته‌ی حسنلو با طرح شیر یا گاو بالدار با بال تک‌قسمتی (به شماره ۸۸۶۱)، جام زرین با نقش انسان با بدن شیر از مارلیک با چهار بال با سه ردیف پر بالا و شاه‌پره‌های نوک‌تیز و تقریباً طبیعت‌گرا مربوط به ۲۰۰۰ - ۱۰۰۰ ق.م. بخش مخزن (به شماره ۱۴۸۱۲ - ۷۸۱۲)، جام زرین مارلیک و عمارلو با تصویر حیوانات بالدار، ظرف استوانه‌ای لعاب‌دار از سرخدم لرستان با بال‌های دو قسمتی گریفین، (قرن ۹) روکش تیردان مفرغی لرستان (به شماره ۱۵۱۸۱) می‌باشد، کاسه مفرغی منقوش لرستان (قرن ۸ و ۹) با طرح چهار انسان بالدار، سنجاق‌های مفرغی بالدار از لرستان

موزهی بریتانیا از نمونه آثار آشوری است [۹، ص ۱۴].



تصویر ۷ ایزدان بالداری اطراف درخت زندگی (کاج)،

آرنولد در کتاب نقاشی در اسلام در بخش براق، منشأ براق دوره‌ی اسلامی را به ابوالهلاها و گریفین‌های آشوری نسبت داده و تصاویر عاج‌های کنده شده نمرود موزه بریتانیا، جام برنزی، مهر گلی موزه آشمولین و سرستون ابوالهلا آشوری را؛ معرفی کرده است [۱۹، صص ۱۳۴، تصویر LI].

در مهرهای استوانه‌ای و مسطح آشور و هخامنشی، پیکره‌ی بالداری کاهنان در حال نیایش با دو یا چهار بال دیده می‌شود. قرص بالداری، تجسم خدای حاصل‌خیزی و دلو در دو دست کاهن، نماد باران‌زایی است. فرم کلی ظاهری تمام این مهرها به خصوص در مجموعه سیوا نیری اکثراً مشابه است. (تصویرهای ۸ - ۹ - ۱۰) بال‌های دو قسمتی هستند. این مهرها مربوط به هزاره‌ی اول ق.م. هستند [۲۰، صص ۳۸، ۳۵، ۲۴].



تصویر ۸ انسان بالداری (سمت راست)، (دو بال) مهر استوانه‌ای نیمه اول هزاره اول ق.م شماره ۵۴۵۱، گوارتز شیشه‌ای.

به تزیینات زین و برگ اسب قرن ۷ ق.م. از کارمسکایا استانیترزا در موزه ارمیتاژ نیز پیکره‌ی زنی بالداری که دو شیر به صورت آویزان در دست گرفته، دیده می‌شود. دو بال سه قسمتی پیکره در انتها کمی حالت مدور گرفته‌اند [۶، ص ۳۷۸، تصویر ۵۳۳].



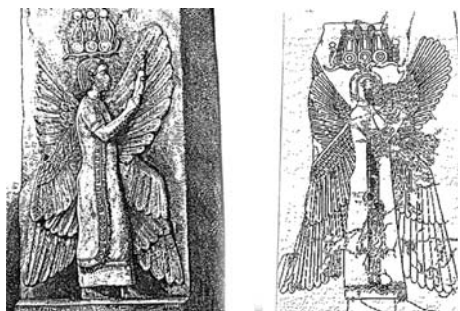
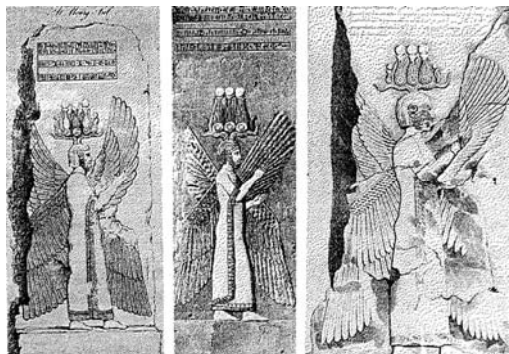
تصویر ۶ پیکره‌ی بالداری که دو پلنگ را آویزان نگه داشته است. پلاک مفرغی، احتمالاً سکاها

حیوانات اساطیری در نقش برجسته‌ها و آثار آشوریان نیز دیده می‌شوند. «گاه دو درنده‌ی افسانه‌ای (یا انسان) بالداری در دو سوی درخت زندگی تصویر می‌شوند و بیشتر در نقش نگهبان دروازه‌ها یا گنج‌ها و نیز ثروت زیرزمینی یا معرفت سری به کار می‌روند». دو انسان بالداری با سر انسانی یا سرپوش عقاب، با ظرف در دست، نقش گردافشانی در طرفین درخت حیات را دارند. از مورد اخیر می‌توان به نقش برجسته کاخ آشور پال دوم [۷، ص ۵۲، تصویر ۳۵]، (۸۵۹ - ۸۸۳ ق.م.) اشاره نمود. بال آنها سه‌قسمتی است. بخش بالا از دو ردیف پرهای ریز و دو بخش بعد از شاه‌پرهای تشکیل شده‌اند. (تصویر ۷)

احتمالاً نگهبانان دروازه‌ها و گنج‌های زیرزمینی یا معرفت، نقش برجسته آشوری کاخ آشور پال دوم، نیمرو.

و یا تصاویر بالداری نقش برجسته آشوری در کاخ سارگون دوم در خورس‌آباد در سده‌ی ۸ ق.م. است که در آن شهریار بیمار جوز کلاغی را که نماد حاصل‌خیزی است از همزاد بالداری خویش دریافت می‌کند، بال در این تصویر، دو قسمتی است. هم‌چنین در تصویر دیگر، آشور نصیر پال دوم در حال نیایش و گرفتن نماد حاصل‌خیزی از همزاد خویش از کاخ شمال غربی در نیمروز، در موزه بریتانیا است و یا تصویر نبرد آشور، خدای پاسدار نظم با هیولای بی‌نظمی در کاخ آشوربانیپال دوم (۸۵۹ - ۸۸۳) در

باشد. به دلیل اینکه شاید کوروش اولین پادشاه در خاورمیانه است که برای تمام مذاهب احترام قایل بوده است و این سنت تداوم یافته است. شاید بال‌های این پیکره، نماد اینگونه تفکر باشد. کلاه سه طبقه او شاید نماد سه‌گانگی تفکر مزدیسنا بیسم (پندار نیک، گفتار نیک، اندیشه نیک) باشد. این سه اصل اساسی، در بال‌های سه‌قسمتی فروهر نیز نمایان است.



تصویر ۹ انسان بالدار (سمت چپ) (چهار بال) مهر استوانه‌ای نیمه اول هزاره اول ق.م شماره ۵۴۳۳، سنگ خاکستری.



تصویر ۱۰ انسان بالدار، مهر مسطح، نیمه اول هزاره اول ق.م. شماره ۵۲۳۳، احتمالاً آشور جدید سنگ زیتونی رنگ.

تصویر ۱۱ انسان بالدار با لباس عیلامی و تاج تقریباً مصری، جزر سنگی، درگاه شمالی کاخ شرقی، تالار کوچک پاسارگاد ارتفاع ۳ متر، دوره هخامنشیان، قرن ۶ ق.م.

الف) طرح فلاندن
ب) طرح تکس تیه
ج) طرح کریورتر
د) طرح استرولاخ
ه) طرح‌های دیگران

در آثار هنری زیادی از دوره‌ی پارتی و ساسانی، تصویر فرشته و یا عنصر بالدار وجود دارد که در حیوانات اسطوره‌ای چون گریفین، ابواله‌ل و سیمرغ بیشتر دیده می‌شود. بال‌ها در این دوره بیشتر تزئینی هستند؛ نواری تزئینی پرهای ریز و شاه‌پره‌های ریز و شاه‌پرها را جدا کرده و بخش پرهای ریز، به بخش‌های تزئینی تغییر شکل یافته است و یا این نوار تزئینی وجود ندارد و پرهای ریز فقط با دایره‌های احاطه شده‌اند. مورد اخیر در آثار اوایل اسلام دیده می‌شود.

نمود ۸۴ ساله یونان در دوره سلوکیان (۲۵۰-۳۳۰ ق.م.) موجب شد تا در آثار هنری به‌خصوص نقش برجسته‌های دوران بعد، پارت‌ها یا اشکانیان (۲۲۶ - ۲۵۰ ق.م.) و ساسانیان (۲۲۴-۶۵۰

از دوره‌ی هخامنشیان (۳۳ - ۵۵۰ ق.م.) در حجاری‌های شوش، پاسارگاد، بیستون، کاخ خزانه‌ی تخت جمشید، گنجینه زیویه و حسنلو؛ حیوانات بالدار زیاد دیده می‌شود. معروف‌ترین تصویر انسان بالدار مربوط به تالار کوچک پاسارگاد، درگاه شمالی کاخ شرقی مربوط به قرن ۶ ق.م. زمان هخامنشیان است. پروفیسور آندره گدار در مورد این نقش می‌نویسد: «نقش برجسته نمایش فرشته‌ی نگهبان چهار بالی است که لباس ایلامی بلند به تن و تاجی که روحیه‌ی مصری دارد؛ بر سر دارد. نوشته‌ای به سه خط میخی پارسی و بابلی ایلامی که اکنون از میان رفته است و آن‌را سیروس شاه هخامنشی معرفی کرده که یقیناً نمایش وی نیست (تصویر ۱۱).

گیرشمن تاج این فرد را شبیه رب‌النوع هورس می‌داند [عص ۱۳۲]. قبلاً چنین می‌پنداشتند که این مینو، روح محافظی است که از مدخل اقامت‌گاه سلطنتی پاسداری می‌کند. احتمال دارد چهار بال این نقش برجسته با چهار جهت جغرافیایی در ارتباط

فریر واشنگتن که در آن در بخش بالا سمت چپ کودک فرشته عریان با چوبی بلند در دست دیده می‌شوند و یکی احتمالاً جام شراب در دست دارد که نقش آنها با طرح پیچان تاک بالای سر پیکر اصلی در ارتباط است. کودک فرشته نیز در پایین تصویر تخت پیکره اصلی در طرفین یک چرخ دیده می‌شود. سر فرشتگان نسبت به بدن بی تناسب است، بال‌ها کوتاه است و از دو بخش اصلی تشکیل شده است. زن نشسته بر تخت و سایر پیکره‌ها نیمه برهنه‌اند (تصویر ۱۴). نمونه موجود دیگر در همین گالری تصویر شاه با نوازندگان و خدمتکاران است که فرشته‌ای در بالای سر او روبانی را در دست دارد. پیکره‌ها (همگی مرد) و فرشته‌ها در این تصویر؛ همگی ملبسند (تصویر ۱۵). چکش کاری روی ظروف و نقش برجسته‌های این دوره، ذره‌گرایی هخامنشی را احیا نموده است.



تصویر ۱۴ شاه در میان ملازمان و تصویر فرشته محافظ بالای سر، بخشی از سینی چکش کاری شده نقره‌ای ساسانی



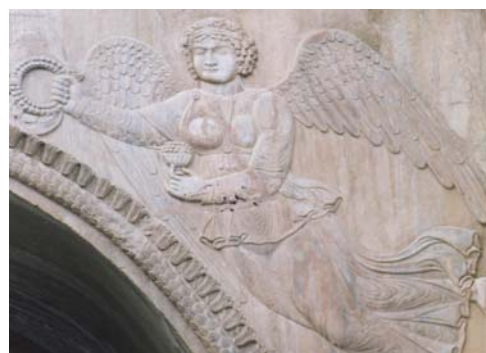
تصویر ۱۵ ملکه نشسته بر تخت با ظرف انگور در میان نوازندگان، با دو فرشته در سمت چپ بالا و دو فرشته پایین تخت؛ بخشی از سینی چکش کاری شده نقره‌ای ساسانی.

ق.م. این تأثیرات در فرم لباس و بال فرشتگان مشاهده گردد. نقش فرشته بالایی سر گودرز در بیستون کرمانشاه (تصویر ۱۲) از نمونه آثار دوره یونانی مآبی است. این نقش طبق نظر مسعود آذرنوش باستان‌شناس احتمالاً باید نقش نیکه (الهه‌ی عشق یونانی) باشد که نقشی معادل سروش دارد. احتمال دارد این فرشته سروش باشد. تصویر نیکه به صورت بالدار با شاخه خرما در دست؛ و تصویر اروس خدای عشق یونانی اغلب به صورت کودکان عریان در سکه‌های اشکانی و ساسانی [۲۱، تصاویر] دیده می‌شود. از مشهورترین نمود تأثیرات یونان، شکل دو فرشته نگهبان در طاق‌بستان کرمانشاه است (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۲ فرشته بالایی سر گودرز، بیستون کرمانشاه، دوره یونانی مآبی زمان مهرداد دوم اشکانی (پارتی)، (۲۲۶ - ۲۵۰ ق.م.)

فرم بال در این تصویر طبیعی است و از بال شبیه پرنندگان اقتباس شده است. فرم لباس و سایر جزئیات رومی و یونانی است.



تصویر ۱۳ دو فرشته (احتمالاً نگهبان) دیهیم در دست، سردر ورودی طاق‌بستان کرمانشاه، زمان اردشیر دوم ساسانی

از جمله آثار دیگری که در دوره ساسانیان حاوی تصویر فرشته است؛ سینی‌های نقره‌ای چکش کاری شده می‌باشد که در آنها فرشتگان بصورت کودک فرشته بالدار و عریان ترسیم شده‌اند. در مقالات ارایه شده در پنجمین کنفرانس باستان‌شناسی دو نمونه از این دست معرفی شده است؛ مانند نمونه‌ی موجود در گالری هنر



۴ - نتیجه گیری

بال به عنوان نماد قدرت و محافظت و علامت ایزدی در هنر قبل از اسلام؛ در آثار بسیار زیادی بر روی بدن انسان یا حیوان یا موجودات نیمه حیوان و نیمه انسان دیده می‌شود. چنانکه اسناد مصور نیز نشان می‌دهد انسان بالدار در هنر مصر، یونان، ایران و بین‌النهرین دیده می‌شود و نمی‌تواند یک نماد صرفاً ایرانی باشد؛ اما به احتمال قوی منشأ آن قطعاً به ایران و بین‌النهرین باز می‌گردد. بال‌ها در مسکوکات آشوری و مهرهای اکدی تک‌قسمتی و بسیار ساده‌اند؛ در حالی که در نقش برجسته‌های هخامنشی ظرافت بیشتری می‌یابند و ۲ یا ۳ قسمتی می‌شوند و فرم ثابتی به خود می‌گیرند. تا آنکه در زمان اشکانیان و ساسانیان به حالت‌های طبیعت‌گرا نزدیک‌تر می‌شوند. انسان‌های بالدار در قبل از اسلام تجسم ایزدان و امشاسپندان بدون بال ترسیم شده‌اند و به نظر می‌رسد انسان بالدار، روح متوفی و پادشاه قدرتمند پس از مرگ می‌باشد.

۵ - منابع

- [۱] جیمز هال؛ «فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب»؛ رقیه بهزادی؛ چاپ اول؛ تهران؛ فرهنگ معاصر؛ ۱۳۸۰.
- [۲] جی. سی؛ کوپر؛ «فرهنگ مصور نمادهای سنتی»؛ ملیحه کرباسیان؛ چاپ اول؛ تهران؛ انتشارات فرشاد؛ ۱۳۷۹.
- [۳] «لغت نامه دهخدا»؛ ص ۴۲۴۷ ذیل بال؛ دایره‌المعارف مصاحب؛ ص ۵۲۶ ذیل پر (ساختمان بال).
- [۴] سیار، پرویز؛ «کتاب‌هایی از عهد عتیق»؛ کتاب‌های قانون ثانی؛ بر اساس کتاب مقدس اورشلیم؛ چاپ اول؛ تهران؛ نشرنی؛ ۱۳۸۰.
- [۵] ساموئل. ک. ادی؛ آئین شهریاری در شرق؛ فریدون بدره‌ای؛ چاپ اول؛ تهران؛ بنیاد ترجمه و نشر کتاب با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین؛ ۱۳۴۷ (ص ۷۵ و ۷۶ به نقل از تاریخ هرودوتوس؛ کتاب هفتم بند ۱۹)
- [۶] رمان گیریشمن؛ هنر ایران در دوران مادو هخامنشیان؛ ج ۱؛ عیسی بهنام؛ چاپ اول؛ تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۴۶.
- [7] Mode Heinz, "Fabulous Beasts and Demons, Phaidon press limited"; 1975.
- [۸] آیت‌اللهی، حبیب‌الله؛ جزوه درسی مطالعات تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس.
- [۹] جان گری؛ اساطیر خاور نزدیک بین‌النهرین؛ باجلان فرخی؛ چاپ اول؛ تهران؛ انتشارات اساطیر؛ ۱۳۷۸.
- [۱۰] ساندرز، بهشت و دوزخ در اساطیر بین‌النهرین؛ ابوالقاسم

اسماعیل پور؛ چاپ اول؛ تهران؛ فکرروز؛ ۱۳۷۳.

- [۱۱] جان هینلز؛ شناخت اساطیر ایران؛ ژاله آموزگار و احمد تفضیلی؛ چاپ سوم؛ تهران؛ نشر چشمه؛ ۱۳۷۳.
- [۱۲] مجید زاده، یوسف؛ تاریخ و تمدن عیلام؛ چاپ اول؛ تهران؛ مرکز نشر دانشگاهی؛ ۱۳۷۰.
- [۱۳] به ترتیب به شماره‌های ثبت ۸۸۶۱، ۲۵۷۴۷، ۷۸۱۲، ۷۷۰۸، ۴۳۶۵، ۷۷۰۸، ۷۸۱۱، ۷۷۰۸، ۷۳۳۱، ۱۵۱۸۱، ۱۶۰۸۹ در بخش مخزن موزه ایران باستان.
- [14] Roman Grishman; Persian Art; Vol 1; P.316; fig 383.
- [۱۵] کامبخش، سیف‌اله؛ سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر؛ چاپ اول؛ تهران؛ ققنوس؛ ۱۳۷۹؛ بخش تصاویر.
- [16] Roman Ghrshman; the Art of Mankid... P.70; fig91.
- [۱۷] و نیز ر. ک. پتر کالمایر؛ مفرغ‌های قابل تاریخ گذاری لرستان و کرمانشاه؛ محمد عاصمی؛ چاپ اول؛ تهران؛ انتشارات میراث فرهنگی کشور؛ ۱۳۷۶؛ ص ۹۵؛ تصویر ۵۱ گروه ۲۶ ۵.
- [18] Vth Internatioal Congress of Iranian Art & Archaecology; Tehran – Isfahan; Shiraz; 11 th April 1968; volume 1; P.260; fig3.
- [۱۹] آرتورپوپ با همکاری فیلیس اکرامان؛ شاهکارهای هنری ایران؛ پرویز خانلری؛ چاپ اول؛ تهران – نیویورک؛ انتشارات فرانکلین؛ ۱۹۴۵.
- [20] Thomas Ar nold,(C. L. E, F. B. A, LITT. D ; painting in Islam; P.134; fig LI (a.b.c.d).
- [21] Siva Nayeri; "Sealed Secrett; claude karbassi; the Natinal Musum of Iran"; publication data My 2000; P.24 fig 37; P. 35,38.
- [۲۲] آوزرمانی، فریدون و سرافراز؛ علی اکبر؛ سکه‌های ایران از آغاز تا دوره زندیه؛ چاپ اول؛ تهران؛ انتشارات سمت؛ ۱۳۷۹؛ تصاویر سکه‌های ساسانی و اشکانی.